



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شماره پیاپی ۱۶



مطالعه تطبیقی بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه در حقوق ایران و امریکا

دکتر غلامحسن کوشکی^۱ ✉

سحر سهیل مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۸

چکیده

یکی از جلوه‌های حریم خصوصی، محیط وسایل نقلیه است. در نظام حقوقی امریکا، محیط وسیله نقلیه با توجه به از بین رفتن سریع ادله و نیز در معرض عموم بودن آن، مورد حمایت کم‌تری واقع شده است؛ به گونه‌ای که در مواردی همچون احراز ظن متعارف به ارتکاب جرم، جرایم شدید و خطرناک و نیز وضعیت‌های خطرآفرین مانند رانندگی همراه با مستی می‌توان وسیله نقلیه را بدون کسب مجوز قضایی توقیف نمود و در حدود ضوابط و تشریفات قانونی، آن را مورد بازرسی و تفتیش قرار داد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران معیار اساسی در این مورد، وقوع جرم به صورت مشهود و یا غیرمشهود است. در نظام حقوقی ایران شرایط و تشریفات روشنی به منظور کیفیت بازرسی از قبیل قلمروی بازرسی از سرنشینان و نیز قلمروی آن، تعیین نشده است. اصل اولیه در این مقام، کسب مجوز قضایی به منظور تفتیش و بازرسی از وسایل نقلیه است. در این مقاله به این مساله می‌پردازیم که در چه مواردی بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه جایز است و در صورت مجاز بودن تحت کدام شرایط و ضوابط بازرسی و تفتیش باید صورت گیرد. از این مطالعه تطبیقی می‌توان دستاوردهایی از قبیل تبیین کیفیت و جزئیات تفتیش به صورت شفاف و روشن و نیز وجود ضمانت اجراهای مقتضی را در راستای تحقق دادرسی منصفانه برداشت کرد.

واژگان کلیدی: رعایت حریم خصوصی، بازرسی و تفتیش، دادرسی کیفری، وسایل نقلیه. ضمانت اجرا

✉ kooshki1357@gmail.com

۱. عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

به رسمیت شناختن و احترام به حق حریم خصوصی و لزوم وجود مقررات و قواعدی ناظر بر رعایت حق اشخاص بر تنها بودن نه تنها به تأمین بیش‌تر آزادی آنان کمک می‌کند بلکه ورود به قلمرو خصوصی اشخاص توسط ماموران دولتی را با مقرر نمودن تشریفات و ضوابطی در راستای اجرای تفتیش و بازرسی محدود می‌نماید. در راستای تأمین حق مذکور اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر نموده است که:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

متأسفانه در حقوق ایران، تعریف صریح و مشخصی از حریم خصوصی ارائه نشده است و در قوانین ایران نیز اعم از اساسی یا عادی، عبارت «حریم خصوصی» مورد استفاده قرار نگرفته است (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۹). ارائه تعریفی از حریم خصوصی دشوار است زیرا مفهومی نسبی است به طوری که ممکن است موضوعی در کشوری داخل در مفهوم حریم خصوصی تلقی شود در حالی که در کشور دیگری چنین نباشد. می‌توان حریم خصوصی را این چنین تعریف کرد:

«قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند، یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهد. منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند.» (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۸).

در قانون اساسی آمریکا نیز صراحتاً به این حق بنیادین تصریح نشده است؛ اما با استناد به اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا که بر ممنوعیت تفتیش‌ها و توقیف‌های غیر موجه دلالت دارد، رعایت و حفظ حریم خصوصی^۱ استنباط می‌گردد (collings Jr, 1962:425). مشهورترین تعریفی که از حریم خصوصی در یکی از آرای دیوان عالی کشور آمریکا (رای کاتز علیه ایالات متحده آمریکا)^۲ بیان شده است عبارت است از: «حق افراد بر تنها بودن»^۳ (Del carmen, 2008: 192). پرسشی که مطرح می‌شود آن است که با تحقق چه شرایطی حق خلوت با خویشتن مشمول حمایت قانون اساسی آمریکا قرار می‌گیرد؟ در پاسخ به پرسش مذکور، قاضی «هارلن»^۴ در پرونده-

1. The right to privacy
2. Katz V. United States, 389 U.S. 347(1967)
3. The right to be let alone by other people
4. Justice Harlan

ای^۱ مقرر نموده است که حریم خصوصی زمانی تحت حمایت قانون قرار می‌گیرد که «انتظار متعارف و معقولی از حریم خصوصی»^۲ وجود داشته باشد. در واقع به منظور تحقق بخشیدن به حق مذکور وجود دو شرط را الزامی نموده است که عبارتند از:

۱- خود شخص می‌بایست نشان دهد که انتظاری واقعی و حقیقی از محرمانه بودن و خصوصی بودن موقعیت دارد.

۲- جامعه نیز باید انتظار شخص از خصوصی بودن آن موقعیت را به رسمیت بشناسد (Del Carmen, 2008: 193).

به نظر می‌رسد در حقوق آمریکا علاوه بر ملاک شخصی، معیار نوعی هم در تبیین به شمار آوردن موقعیتی به عنوان حق حریم خصوصی نقش به‌سزایی دارد. در نتیجه ملاک انتظار متعارف از حریم خصوصی معیاری ذهنی^۳ است که از پرونده‌ای به پرونده دیگر بر اساس اوضاع و احوال متفاوت است.

یکی از اقداماتی که ناقض حریم خصوصی قلمداد می‌شود، «بازرسی و تفتیش» است. با توجه به استثنایی بودن این اقدام، ضروری است که در قوانین آیین دادرسی کیفری حدود و ثغور این اقدام مشخص گردد.

در حقوق ایران با توجه به مواد قانون آیین دادرسی کیفری این‌گونه برداشت می‌شود که بازرسی و تفتیش از اتومبیل‌های شخصی همانند بازرسی منزل باید با اجازه مقام قضائی باشد و در نتیجه وسایل نقلیه نیز جزء مکان‌های خصوصی بوده و رعایت حریم خصوصی در آن اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، نقض حریم خصوصی افراد باید در راستای یک مصلحت عمومی بوده و تنها در مواردی به عمل آید که مصلحت عمومی، مهم‌تر از حق افراد و بر مبنای موازین جامعه دموکراتیک باشد. و مقام تشخیص مهم‌تر بودن حق حریم خصوصی و یا مصلحت اجتماعی باید یک مقام قضائی باشد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ بنابراین به نظر می‌رسد حقوق ایران با مقررره اخیر، رویه‌ای مشابه حقوق آمریکا اتخاذ نموده و اصل را بر رعایت حریم خصوصی و الزامات و مقررات حاکم قرار داده است و در موارد و مصادیق استثنایی و تصریح شده از رعایت ضوابط و مقررات عدول کرده است. در قانون اساسی آمریکا نیز صراحتاً به این حق بنیادین تصریح نشده است؛ اما با استناد به اصلحیه چهارم قانون اساسی آمریکا که بر ممنوعیت تفتیش‌ها و توقیف‌های غیر موجه دلالت دارد، رعایت و حفظ حریم خصوصی استنباط می‌گردد (Collings, 1962:425).

1. katz V. United States

2. Reasonable expectation of privacy

3. Subjective test

در فرآیند دادرسی کیفری، باید میان حق «تأمین»^۱ شخصی و «امنیت»^۲ عمومی رابطه‌ی معنی‌دار و منطقی‌ای برقرار باشد، تا از یک سو، جامعه برای مقابله با مجرمین خطرناک و نیز جرایم شدید و در راستای تأمین و تحصیل دلیل از ابزار و امکانات لازم بهره‌مند باشد و از سوی دیگر اعمال امنیت عمومی و نظم عمومی نباید بستری برای نادیده گرفتن حقوق فردی اشخاص گردد؛ بنابراین با عنایت به موضوعات بالا باید دید که در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا آیا وسایل نقلیه جزء حریم خصوصی قلمداد می‌شوند؟ و در هر صورت در چه مواردی بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه جایز است؟ و در صورت مجاز بودن بازرسی و تفتیش تحت کدام شرایط و ضوابط بازرسی و تفتیش باید صورت گیرد؟

باتوجه به پیشرو بودن حقوق آمریکا و سرآمد بودن کشور مذکور در نظام کامن‌لا این کشور انتخاب گردید تا از طریق انعکاس نظام حقوقی این کشور و رویه عملی و پلیسی آن به عنوان تجربه‌ای بشری و لحاظ مسایل فرهنگی و بومی کشور ایران بتوان در رفع چالش‌های موجود در زمینه بازرسی از وسایل نقلیه از آن بهره‌جست. از این رو در نوشتار کنونی ضمن داشتن رویکردی تطبیقی به صورت مزجی سرفصل‌های مهم شرایط و ضوابط حاکم بر تفتیش و بازرسی وسیله نقلیه (بند نخست)، قلمرو تفتیش و بازرسی (بند دوم) و در نهایت ضمانت اجرای مقتضی (بند سوم) مطالعه و بررسی می‌شود.

۱. ضوابط حاکم بر تفتیش و بازرسی وسیله نقلیه

تفتیش در لغت به معنای، تفحص کردن، بازرسیدن، بازجستن، بازرسی است (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۱۰). در اصطلاح حقوقی بدین‌گونه تعریف شده است: «تفتیش امری است مهم شامل جمع آوری ادله که با تحقیق در مورد دلایل جرم از سوی مقام‌های مخصوص به این کار انجام می‌گیرد. صرف‌نظر از اراده و رضایت فرد یا صاحب مکان مورد نظر، تفتیش عملی است تحقیقی که این مقام در محل خاص یا در مورد خاصی و برای زمینه‌سازی جهت اعمال حق جامعه در مورد مجازات انجام می‌دهد.» (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۰۰۶).

در فرهنگ لغت لاتین، تفتیش بدین معنا آمده است:

«بازرسی منزل، بنا یا ساختمان شخص یا دارایی او به‌منظور کشف اموال مسروقه یا غیرمجاز یا کشف دلیل جرم که در تعقیب رفتار مجرمانه‌ای که شخص به آن متهم شده است، به کار برده و اعمال می‌شود.» (Campbell Black, 1968: 1518).

1. Le droit a` la sûreté

2. Le droit a` la sécurité



تفتیش در رویه قضایی آمریکا این گونه تعریف شده است که:

«تفتیش به صورت کلی عبارت است از معاینه (بررسی)^۱ یا بازرسی^۲ مکان، وسیله نقلیه یا شخصی توسط ماموران اجرای قانون، با هدف تعیین نمودن اشیاء مادی و ادله‌ای که به رفتار مجرمانه‌ای مربوط هستند.» (Ferdico and others, 2009: 185)

در واقع «بازرسی زمانی رخ می‌دهد که ماموران دولت با هدف جستجوی دلیل و مدرکی به حریم خصوصی مورد حمایت قانونی شخص وارد می‌شوند.» (scheb and scheb II, 2012: 48)

بنابراین در ادبیات آیین دادرسی کیفری واژگان بازرسی و تفتیش مترادف یکدیگرند. در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران و از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ هر جا واژه تفتیش به کار رفته است، در کنار آن واژه بازرسی نیز به کار رفته است.^۳

باتوجه به آن که یکی دیگر از مصداق‌های رعایت «حریم خصوصی»^۴ وسایل نقلیه است، این پرسش قابل طرح است که آیا وسایل نقلیه جزء مکان‌های خصوصی بوده و در نتیجه نیازمند رعایت ضوابط و تشریفات خاص بازرسی از مکان‌های خصوصی‌اند یا خیر.

دو رویکرد حقوق مدار و امنیت مدار در جهت گیری نظام‌های دادرسی کیفری وجود دارد و نظام قضایی و پلیسی ما تحت تأثیر رویکرد امنیت مدار قواعد آیین دادرسی کیفری را در عمل رعایت نمی‌کند، بنابراین از حیث رویه عملی پلیس با هدف رسیدن به امنیت از تشریفات آیین دادرسی چشم پوشی می‌کند. نمونه بارز آن ایست و بازرسی‌هایی است که بدون اخذ مجوز موردی از مقام قضایی عملیات بازرسی و تفتیش صورت می‌گیرد.

در حقوق ایران در خصوص بازرسی و تفتیش، مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و تبصره ذیل آن^۵ و نیز قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ قابل استناد هستند. با رجوع به مواد قانون آیین دادرسی کیفری مشخص می‌شود که وسیله نقلیه جزء حریم خصوصی به شمار می‌رود. درست است که فضای داخل اتومبیل در معرض دید همگان قرار دارد ولی با توجه به اطلاق واژه‌ی «اشیاء» در مواد ۵۵ و ۱۳۷ ق.آ.د.ک و نیز حفظ حریم خصوصی اشخاص، این گونه برداشت می‌شود که وسیله نقلیه نیز به

1. Examination

2. Inspection

۳. برای نمونه می‌توان به مواد ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره کرد.

4. The right to privacy

۵. «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

تبصره- اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.»

عنوان یکی از مصادیق اشیاء قلمداد می‌گردد و از این رو برای بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه رعایت ضوابط و تشریفات مذکور در این موارد ضروری است.

حال ممکن است باتوجه به تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و به‌ویژه تبصره ذیل ماده ۵ این پرسش مطرح شود که آیا وسایل نقلیه همچنان مشمول حریم خصوصی است یا خیر؟ جایگاه این تبصره نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چیست؟ به نظر می‌رسد این موضوع تغییری در رویه آیین دادرسی کیفری ایجاد نمی‌کند، زیرا به موجب تبصره فوق در صورتی که در فضاها و قسمت‌های در معرض دید وسایل نقلیه جرمی واقع شود و مشهود باشد، از باب جرم مشهود و مقررات مربوط قابل پیگیری است و در صورتی که جرم قابل مشاهده نباشد، نمی‌توان به استناد این تبصره متعرض حریم خصوصی افراد در وسایل نقلیه شد. برای این موضوع می‌توان چند استدلال را بیان کرد. نخست این که تبصره فوق را باید باتوجه به صدر ماده‌ی آن تحلیل و بررسی کرد. در صدر ماده به مانند اصل بیست و دوم قانون اساسی بر ضرورت عدم تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص تأکید شده است. بنابراین در گسترش قلمرو و دامنه‌ی تبصره به‌عنوان عاملی جهت نقض حریم خصوصی نباید جانب احتیاط را از دست داد. به دیگر سخن اصل نخستین حمایت و پاسداشت از حریم خصوصی است و در مواقع شک و تردید باید به این اصل رجوع کرد. دوم این که افزون و نیز با لحاظ استدلال پیشین آیا وسایل نقلیه به‌صورت مطلق و در تمامی موارد مشمول حریم خصوصی نیست و بازرسی و تفتیش از آن نیازمند گرفتن مجوز قضایی نیست؟ به نظر می‌رسد تبصره فوق را تنها باید ناظر به این قانون دانست و از تعمیم حکم این تبصره به سایر موارد و از جمله قانون آیین دادرسی کیفری خودداری ورزید. زیرا این تبصره را باید در راستای عنوان این قانون و با توجه به مفهومی که از امر به معروف و نهی از منکر در مواد ۱، ۴ و ۶ بیان داشته است در نظر گرفت. آن‌گونه که از منطوق این مواد برداشت می‌شود امر به معروف و نهی از منکر خیرخواهی زبانی شهروندان نسبت به یکدیگر و یا حاکمیت با رعایت شرایط مذکور در این قانون است. در این راستا حسب ظاهر تبصره ماده ۵ شهروندان می‌توانند از باب امر به معروف و نهی از منکر سرنشینان خودرو را مثلاً در مقام پرهیز از رفتارهای ناشایست از قبیل آلودگی صوتی و یا تعرض به دیگران به صورت زبانی و با در نظر گرفتن دیگر شرایط مندرج در این قانون، امر به معروف و نهی از منکر نمایند. از این رو قلمروی این تبصره مقید به موضوع این قانون و شرایط آن است و در سایر موارد و از جمله بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه باید هم چنان به قواعد عمومی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه کرد.

بنابراین مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه لازم‌الرعایه است و به بهانه‌ی تصویب این تبصره نمی‌توان وسایل نقلیه را در همه‌ی موارد از

قلمروی حریم خصوصی خارج دانست. چرا اگر غیر از این تفسیر، تفسیر دیگری داشته باشیم باید قائل به نسخ مواد یاد شده در خصوص کیفیت بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه باشیم و چنین تفسیری با توجه به استدلال‌های بیان شده ضعیف است.

در حقوق آمریکا به‌عنوان یک قاعده کلی، اصلاحیه چهارم ماموران را ملزم به اخذ اجازه نامه قضایی پیش از اجرای تفتیش‌ها می‌نماید.^۱ اگرچه به صورت استثنایی تفتیش‌های بدون اجازه نامه قضایی در برخی موارد اجازه داده شده است؛ اما همه ماموران می‌بایست از معیار متعارف و معقول که همان اخذ مجوز قضایی است، پیروی نمایند و نیز ماموران از انجام تفتیش‌ها و توقیف‌های خودسرانه و اختیاری یا حتی تفتیشی که مبتنی بر ظن بر ارتکاب رفتار مجرمانه باشد، منع شده‌اند. اصلاحیه چهارم نه تنها در سطح فدرال بلکه ایالت‌های آمریکا هم ملزم به تبعیت از آن می‌باشند. اگر چه در ایالت‌ها، مقنن می‌تواند از آن‌چه که اصلاحیه مقرر نموده، فراتر رفته و تضمینات و حمایت بیش‌تری برای اشخاص در نظر گیرد (scheb and scheb II, 2012: 48-49). بنابراین قاعده کلی و اصل آن است که تفتیش و بازرسی وسیله نقلیه نیز تحت الزامات و ضوابط اصلاحیه چهارم قرار می‌گیرد، لکن حمایتی که از وسیله نقلیه صورت می‌گیرد کم‌تر از حمایت ساکنین و متصرفین منزل است البته این امر بدان معنا نیست که هیچ‌گونه حمایتی در وسیله نقلیه صورت نگیرد. در همین راستا مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین اصلاحیه، اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا (مصوب ۱۷۹۱) می‌باشد که مقرر می‌دارد:

«حق امنیت جان، مسکن، اوراق و اسناد و (مصونیت) دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیر موجه تضمین می‌شود و هیچ‌گونه حکم بازداشت اشخاص یا توقیف اموال صادر نمی‌شود، مگر بر پایه یک دلیل موجه با سوگند یا اعلام رسمی، و محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید متوقف شود دقیقاً باید مشخص شود.»

حریم خصوصی در وسیله نقلیه مورد حمایت اصلاحیه چهارم واقع شده است. با این وجود، دیوان عالی کشور حمایت کامل اصلاحیه چهارم را نسبت به سرنشینان خودرو توسعه نداده است. در واقع دو توجیه جهت کاهش حمایت مذکور وجود دارد:

نخست آن که ماهیت وسیله نقلیه ایجاب کننده حمایت کم‌تر است؛ زیرا دلیل و مدرک جرم به سرعت ناپدید خواهد شد. دوم آن‌که، وسایل نقلیه معمولاً در مکان‌های عمومی جایی که سرنشینان

۱. جهت اطلاعات بیش‌تر در مورد تفتیش و بازرسی در حقوق آمریکا رجوع نمایید به:

کوشکی، غلامحسین؛ سحر سهیل مقدم؛ تطبیق بازرسی و تفتیش در الگوی دادرسی ایران و آمریکا، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۵، ۱۳۹۴، صص ۱۳۳-۹۵.

نسبت به عموم آشکار و در معرض دید هستند، در حرکتند. بنابراین سرنشینان اتومبیل نسبت به ساکنین منزل انتظار کمتری از حریم خصوصی در وسیله نقلیه دارند (Hall, 2009:363). در حقوق آمریکا، با توجه به این که اشخاص انتظار کمتری از حریم خصوصی در وسایل نقلیه دارند؛ مطابق دکترین «کارل»^۱ ماموران اجرای قانون در صورت داشتن دلیل موجه مبنی بر آن که وسیله نقلیه وسایل و اشیاء مجرمانه‌ای را در برمی‌گیرد می‌توانند بدون مجوز قضایی به تفتیش وسیله نقلیه بپردازند و نقض اصلحیه چهارم نمی‌باشد؛ زیرا وسیله نقلیه سیار و به سرعت در حرکت است. دکترین مذکور به‌عنوان استثنایی بودن وسیله نقلیه نسبت به الزامی بودن قرار تفتیش تلقی می‌شود.

بنابراین دو الزام برای عدم اخذ مجوز قضایی نسبت به تفتیش وسیله نقلیه استنباط می‌گردد:

نخست آن که احراز دلیل موجه مبنی بر آن که وسیله نقلیه اشیاء، مواد و وسایل مجرمانه‌ای را در بر گرفته است (مانند مواد مخدر و مواد قاچاق و کالاهای ممنوعه) الزامی است. دلیل موجه دارای دو تعریف حقوقی و رویه‌ای می‌باشد؛ در تعریف حقوقی دلیل موجه زمانی وجود دارد که مامور مبتنی بر دانش و تجربیاتش به این نتیجه رسد که شخصی مرتکب جرمی شده است یا در حال ارتکاب جرمی است به طوری که یک شخص متعارف محتاط^۲ در همان اوضاع و احوال به این نتیجه رسد که رفتار مجرمانه‌ای روی داده است یا در حال ارتکاب است. بنابراین نه ادراک پلیس و نه ادراک شخص مظنون معیار تعیین کننده دستگیری نمی‌باشد، بلکه انسان متعارف^۳ ملاک می‌باشد.

در تعریف رویه‌ای (عملی)، ضابطه دلیل معقول چیزی کم‌تر از ضابطه فراتر از هر شک معقول^۴ که برای صدور حکم محکومیت لازم است و فراتر از ضابطه ظن معقول^۵ می‌باشد؛ به عبارت دیگر

1. The carroll doctrine. Carroll V. United States, 267 U.S, 132(1925)

در سال ۱۹۲۵، دیوان عالی کشور قلمرو حمایتی اصلحیه چهارم را در زمینه توقفات ترافیکی (متوقف نمودن خودرو در هنگام عبور و مرور) از طریق «پرونده کارل» اعلام نمود. در این پرونده، دادگاه رای داد که کسب مجوز قضایی الزامی نبوده است، زیرا ماموران دلیل موجهی بر بازرسی اتومبیل توقیف شده داشته‌اند. در پرونده کارل رئیس دیوان عالی مشاهده نمود که کنگره نخست در طول اتخاذ اصلحیه چهارم کسب مجوز را برای تفتیش منزل برای کشف مواد قاچاق و ممنوعه الزامی نموده است. در مقابل، کنگره تفتیش‌های بدون مجوز برای کشف مواد ممنوعه و قاچاق در حال عبور و مرور در صورت وجود دلیل موجه را به رسمیت شناخته است. رئیس دیوان عالی همچنین خاطر نشان کرده است که اشیاء و کالاهای موجود در منزل متفاوتند از اشیایی که در حال حمل و نقل اند؛ زیرا شخص می‌تواند پیش از کسب مجوز توسط ماموران به سرعت آنها را به خارج از حوزه قضایی انتقال دهد. بنابراین پرونده کارل نخستین قاعده روشن و صریحی را مقرر نمود که بر مبنای آن ماموران می‌توانند بدون کسب مجوز به تفتیش و بازرسی وسیله نقلیه در صورت داشتن دلیل موجه که وسیله نقلیه در برگیرنده مواد قاچاق و ممنوعه است، بپردازند. (Glipse 1999: p.20)

2. "person of reasonable caution" or "reasonable man" or "ordinarily prudent" or "cautious man"

3. Michigan V. Chesternut; 486; U.S 567(1988).

4. Beyond a reasonable doubt

5. Reasonable suspicion

دلیل موجه زمانی وجود دارد که بیش از پنجاه درصد علم، وجود داشته باشد که مرتکب جرمی را مرتکب شده است (کوشکی و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۰۰ و ۲۰۵).

دومین الزام آن است که خودرو می‌بایست در حال حرکت باشد.

در تعیین این مسئله که آیا خودرو در حرکت است یا خیر؛ دادگاه‌ها احراز این موضوع را که آیا خودرو بالذات دارای قابلیت حرکت است یا خیر را به‌جای توجه به این‌که خودرو در یک زمان خاصی حرکت خواهد کرد، در نظر می‌گیرند.

دادگاه‌ها در ابتدا مجوز تفتیش را با این تفسیر پذیرفته بودند که بعد از توقیف قانونی خودرو، مأمور می‌بایست قرار تفتیش را اخذ می‌کرد مگر آن‌که اوضاع و احوال ضروری و فوری، تفتیش بدون قرار را توجیه می‌نمود؛^۱ اما امروزه دیگر تفتیش منوط به وجود چنین اوضاع و احوالی نمی‌باشد؛ بلکه حرکت سریع وسیله نقلیه توجیه‌گر عدم الزامی بودن اخذ مجوز قضایی می‌باشد.

این امر در حالی است که مطابق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران ضابطان دادگستری حق انجام تفتیش و بازرسی را در جرائم غیر مشهود بدون اخذ مجوز لازم از مقام قضایی ندارند. بنابراین برخلاف حقوق آمریکا که در برخی موارد در جرم غیر مشهود صلاحیت و اختیار بازرسی و تفتیش به مأموران پلیسی واگذار شده است، ضابطان دادگستری در حالت جرم غیر مشهود چنین وظیفه و اختیاری را ندارند.

۱.۱. ایست و بازرسی وسایل نقلیه

یکی از اقداماتی که ضابطین گاه به آن مبادرت می‌ورزند، ایجاد پست‌های ایست و بازرسی در خیابان‌ها و مبادی ورودی شهرها و اقدام به بازرسی خودروهای عبوری است. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌های مشورتی متعددی که در پاسخ به استعلام‌های صورت گرفته از آن اداره ابراز داشته، بازرسی خودروهای عبوری توسط مأموران در این محل‌ها، بدون دستور مقام قضایی را در جرایم غیرمشهود غیرقانونی دانسته است^۲ (خالقی، ۱۳۹۲: ۷۱). و نیز مطابق ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مأموران راهنمایی و رانندگی به جز در موارد مصرح قانونی و موارد تصادفات منجر به جرح و قتل مجاز به توقیف وسیله نقلیه موتوری نمی‌باشند. بنابراین از توجه به مواد قانونی و نیز نظریه مذکور، کسب مجوز قضایی در جرایم غیرمشهود پیش از هرگونه تفتیشی الزامی است.

1. V.Sandres(1979)

۲. جهت اطلاعات بیش تر رجوع کنید به: کوشکی، غلامحسین، حمایت از حریم خصوصی در مکان خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۶، شماره ۵۸.

پرسشی که در این خصوص طرح می‌شود آن است که آیا شورای عالی امنیت کشور، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان‌ها و شهرستان‌ها مجاز به تصویب مصوباتی در خصوص بازرسی از وسایل نقلیه بر خلاف ضوابط و قوانین آیین دادرسی کیفری هستند؟ در خصوص شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین شهرستانی و استانی تردیدی وجود ندارد که مصوبات این شوراها باید با لحاظ قانون آیین دادرسی کیفری اجرایی و عملیاتی گردد. بنابراین این شوراها نمی‌توانند مصوبه‌هایی برای بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه بدون کسب مجوز لازم از مقام‌های قضایی به صورت موردی وضع نمایند. قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور به روشنی بر این موضوع دلالت می‌کند. بر همین اساس بند «د» ماده ۱ قانون یاد شده در خصوص وظایف شورای امنیت کشور مقرر می‌دارد:

«تعیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چارچوب وظایف قانونی آن‌ها».

بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود در این بند مقرر شده است که چنانچه شورای امنیت کشور بخواهد برای دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف همانند نیروی انتظامی وظیفه‌ای را در نظر بگیرد، باید در چارچوب قوانین و مقررات عمومی کشور و از جمله آیین دادرسی کیفری تعیین نماید. بنابراین، این شورا و شوراهای مشابه نمی‌توانند تفتیش و بازرسی از وسایل نقلیه را بدون تجویز موردی مقام‌های قضایی تجویز نمایند و چنانچه چنین مصوباتی هم داشته باشند، فاقد وجاهت قانونی‌اند. زیرا در این بند و سایر بندها مقید به «در چارچوب وظایف قانونی» آن‌ها گردیده است.

ممکن است به استناد اصل ۱۷۶ قانون اساسی و جایگاه حقوقی شورای عالی امنیت ملی، بیان شود که این شورا می‌تواند مصوباتی در خصوص توقیف و یا بازرسی وسایل نقلیه بر خلاف قوانین عمومی داشته باشد. حال آن‌که سیاست‌ها و برنامه‌های شورا باید در راستا و چارچوب قوانین کشور باشد و هیچ‌گونه استثنایی در این زمینه پیش بینی نشده است.

در حقوق آمریکا، اصلاحیه چهارم نه تنها در زمینه دستگیری اشخاص بلکه در زمینه ایست و بازرسی‌ها نیز قابل اعمال است که ماموران اجرای قانون به منظور دستگیری مظنون خاصی یا حمایت عموم از رانندگان خطرناک، ممکن است به توقیف خودروها بپردازند تا تعیین نمایند که آیا الزامات ایمنی رعایت شده است یا خیر.

شایان ذکر است که گفته شود در نظام حقوقی آمریکا داشتن ظن معقول^۱ پیش از متوقف نمودن خودرو الزامی است (Hall, 2009:363). یکی دیگر از موارد ایست و بازرسی کنترل و

1. Reasonable suspicion

بررسی رانندگان مست و بی‌اعتدال است. پرونده راهنما در زمینه مذکور پرونده «شعبه میشیگان پلیس ایالت علیه سیتز» در سال ۱۹۹۰ است؛^۱ در این پرونده رای داده شد که پلیس با هدف کنترل و بررسی رانندگان مست می‌تواند در قالب ایست و بازرسی هر خودرویی را متوقف کند و چنین توقیفی نقض اصلحیه چهارم نمی‌باشد و کاملاً قانونی است. در پرونده «سیتز»، نهاد پلیسی ایالت میشیگان اقدام به کنترل و بررسی وسایل نقلیه در بزرگراهی نمود. متعاقب دستورالعمل‌های تدوین شده، چنین کنترلی در مکان‌های تعیین و مشخص شده روی داد. تمام خودروها متوقف و رانندگان به‌منظور نشانه‌های اعتدال و عدم مستی مورد بررسی و معاینه واقع می‌شدند، بررسی و کنترل مذکور یک ساعت و پانزده دقیقه به طول انجامید و ماموران موفق شدند ۱۲۶ وسیله نقلیه را بررسی کنند و میانگین تاخیر ۲۵ ثانیه بود. در این ایست و بازرسی ماموران دو شخص را به علل مستی در هنگام رانندگی دستگیر کردند؛ یکی از مظنون‌ها به نام «سیتز» در دادگاه ادعا کرد که چنین رویه‌ای نقض اصلحیه چهارم است. دیوان عالی ادعای مذکور را نپذیرفت و اظهار نمود که بررسی‌ها و کنترل‌های مربوط به هوشیاری و عدم مستی، توقیفی معقول و متعارف است زیرا «میزان مداخله در ماشین سواران متوقف شده مختصر و محدود است». پرونده «سیتز» بسیار با اهمیت است زیرا به مدت طولانی، دادگاه‌های تالی بر سر قانونی بودن یا نبودن اختیارات ماموران در بررسی توقیف رانندگان به منظور بررسی مستی آنان اختلاف داشتند. با این وصف، دادگاه‌های ۲۱ ایالت چنین کنترل و بررسی را معتبر، در حالی که ۱۲ ایالت آن را غیرقانونی شناخته‌اند. نکته مهم آن است که پرونده «سیتز» به ماموران اجازه نمی‌دهد به توقیف نمودن خودرو به صورت اتفاقی و تصادفی بپردازند بلکه چنین بازرسی و کنترلی می‌بایست به شیوه‌ای خاص و با دقت مانند برنامه پلیس میشیگان انجام گیرد که این برنامه هیچ‌گونه اختیار و صلاحیتی را به ماموران برای انجام چنین بازرسی نمی‌دهد مگر آن‌که مسبق به تهیه دستورالعمل و قواعدی باشد (Del

در پرونده کارل علیه ایالات متحده، دیوان به تشریح «ظن معقول»، «دلیل موجه» و «فراتر از هر شک معقول» پرداخته است. و نتیجه آن بوده که از نقطه نظر سلسله مراتب، «دلیل معقول»، بالاتر از «ظن معقول» و ضابطه «فراتر از هر شک معقول»، بالاتر از «دلیل معقول» قرار دارد. از نظر دیوان، دلیل معقول، بر مبنای واقعیات استوار بوده و نمی‌تواند بر مبنای حدس و ظن و گمان باشد. در واقع دلیل معقول، باید بیش از ۵۰ درصد احتمال را دربرگیرد؛ چرا که میزان ۵۰ درصد احتمال، تنها، تشکیل دهنده ظن معقول است. در پرونده ایلینویز علیه واردلو، دیوان در توضیح دو مفهوم دلیل و ظن معقول گفته است: «دلیل معقول، یک احتمال بسیار قوی است برای اثبات امری، در حالی که ظن معقول، احتمال کم‌تری را در برداشته و تنها، حداقل توجیه یک موضوع را در بردارد (فروغی و یوسفی ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۵۸).

1. Michigan Department of state police v. Sitz, 496 U.S. 444 (1990)

240: Carmen, 2008)؛ این امر سبب کاهش توقفات اختیاری و دل بخواهانه ماموران می شود.^۱ در زمینه مذکور قانون آیین دادرسی کیفری ایران ساکت است اما بند ب ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ به موضوع مذکور اشاره کرده است بدین گونه که:

« در مواردی که قرائن و شواهد حاکی از حالت مستی یا استفاده راننده از مواد مخدر و روانگردان باشد ماموران این قانون با استفاده از تجهیزات لازم نسبت به تشخیص این حالت اقدام می نمایند و در صورت اثبات حالت مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مسکرات و مواد مخدر و روانگردان از رانندگی فرد مورد نظر جلوگیری و ضمن صدور قبض جریمه به مبلغ دو میلیون ریال و ضبط گواهی‌نامه به مدت شش ماه توسط نیروی انتظامی جهت اقدام قانونی به مرجع صالح قضائی معرفی می شود.»

بنابراین چنانچه ملاحظه می شود برای نخستین بار در مجموعه قوانین ایران اختیاراتی به ضابط در خصوص جرائم غیر مشهود بدون مجوز مقام قضایی داده شده است. با این وصف، توقف خودرو تنها در صورتی انجام می شود که قرائن و شواهد حکایت از حالت مست و یا مصرف مواد مخدر و یا مواد روان گردان داشته باشد. تنها در این دو موقعیت است که اقدام‌های لازم در این خصوص صورت می گیرد.

۲.۱. تشریفات بازرسی و تفتیش

در حقوق ایران ضوابط و تشریفات بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه به صورت جداگانه تصریح نشده است و از این رو مقررات و ضوابطی که در خصوص ضوابط و تشریفات بازرسی و تفتیش به صورت کلی و عمومی مقرر شده است، در خصوص وسایل نقلیه کاربرد دارد. نخستین مورد این است که مامور و ضابط دادگستری اوراق هویت خود را ارائه نماید. دوم این که وفق ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری دستور قضایی را به راننده ارائه نماید.

در حقوق آمریکا، زمانی که خودرو به صورت قانونی به دلیل نقض مقررات عبور و مرور متوقف می شود، مامور می تواند به راننده حتی بدون وجود ظن به ارتکاب رفتار مجرمانه‌ای دستور دهد که از وسیله نقلیه خارج شود^۲ و نیز چنانچه مامور به صورت متعارف و معقول بر این باور باشد که راننده ممکن است مسلح و خطرناک باشد، می تواند به تفتیش محدود به پوشش ظاهری و بیرونی شخص به منظور کشف اسلحه بپردازد و در صورت عدم وجود چنین عقیده‌ای تفتیش متعاقب

۱. جهت اطلاعات بیش تر در زمینه برنامه اجرا شده در میشیگان رجوع کنید به:

Bryan Scott Blade.1991. Fourth amendment--The Constitutionality of a Sobriety Checkpoint Program, Journal of criminal Law and Criminology, Volume 81, Issue4, pp.800-818.
2. Pennsylvania v. Mimms,434 U.S. 106(1977)



غیرقانونی خواهد بود حتی اگر توقف اولیه قانونی باشد (Riggs 1998: 962-964). در واقع رانندگان مانند عابران پیاده موضوع توقیف و تفتیش محدود^۱ قرار می‌گیرند. بدین معنا که در صورت وجود ظن متعارف و معقول مبنی بر انجام رفتار مجرمانه‌ای، می‌توان رانندگان را متوقف نمود و چنانچه ترس برای به خطر افتادن امنیت مامور وجود داشته باشد می‌توان به تفتیش محدود (تفتیش محدود به پوشش ظاهری شخص) نیز پرداخت. نکته شایان ذکر آن است که اگرچه صلاحیت و جواز مامور برای تقاضای خروج از وسیله نقلیه به صورت خودکار پس از توقف نمودن معتبر و قانونی روی می‌دهد اما تفتیش بدنی محدود پس از خروج از راننده از وسیله نقلیه به صورت خودکار نیست؛ بلکه چنین تفتیشی در صورتی به وقوع می‌پیوندد که ظن معقولی وجود داشته باشد که امنیت مامور مورد تهدید واقع شده باشد. در واقع از رویه مذکور این‌گونه برداشت می‌شود که دستور به خروج راننده از ماشین مسبوق به وجود ظن معقول بر ارتکاب مجرمانه است؛ حال آن‌که در خصوص تفتیش متعاقب، وجود ترس از به خطر افتادن جان مامور یا سایرین الزامی است و پرونده راهنما در زمینه تفتیش مذکور پرونده «تری»^۲ است. (Del Carmen 2008: 144). در پرونده‌ای^۳ ماموران از آن‌چه که در توقیف و تفتیش «تری» مقرر شده است فراتر رفته، به‌گونه‌ای که در این پرونده اکثریت قضات بر این باور بودند که تفتیش «تری» تنها محدود به تفتیش پوشش ظاهری شخص نمی‌شود. در این پرونده این‌گونه رای داده شده است که چنانچه مامور ظن متعارفی داشته باشد مبنی بر آن‌که راننده متوقف شده خطرناک^۴ است و ممکن است اسلحه موجود در ماشین را در اختیار بگیرد، مامور می‌تواند به تفتیش مختصر و محدود فضا و محیط اطراف مسافران بپردازد حتی اگر مسافران در وسیله نقلیه باشند، لازم به ذکر است که گفته شود چنین تفتیشی می‌بایست به فضاها و قلمروهایی محدود شود که اسلحه‌ای پیدا خواهد شد یا مخفی شده است (Ison 1983: 1269-1270).

1. Stop and Frisk

۲. «پلیس دارای اختیار و صلاحیت است که شخصی را به صورت کوتاه به منظور سوال کردن حتی بدون دلیل موجه در صورت اعتقاد به ارتکاب جرم در پرتو تجربیاتش بازداشت و توقیف کند. توقیف شخص به منظور تحقیق و سوال پرسیدن، دستگیری محسوب نمی‌شود.»

3. Michigan v. Long (1983)

۴. در این پرونده ماموران با توجه به اوضاع و احوال مبنی بر آن‌که مظنون مست بوده و با دیدن ماموران ماشین را به سمت دیگری هدایت کرده و پاسخ سوالات را با حالت مکث و نگرانی پاسخ داده است، به این نتیجه رسیدند که مظنون خطرناک است. شایان ذکر است که گفته شود بر رای مذکور انتقاداتی وارد است مبنی بر آن‌که چنین تفتیشی از تفتیش تری فراتر رفته و غیرقانونی است.

آن چه که مورد شبهه و تردید واقع گشت بررسی این مسئله بود که آیا قاعده دستور خروج نسبت به مسافران خودرو نیز قابل اعمال است؟ در پرونده « ماریلند علیه ویلسون»^۱ دادگاه رای داد که ماموران می‌توانند به مسافران دستور دهند که در زمان توقیف‌های ترافیکی و عبور و مرور از وسیله نقلیه بیرون آیند. در این پرونده مامور وسیله نقلیه‌ای را به دلیل سرعت بالا متوقف نمود. با نزدیک شدن مامور به وسیله نقلیه، راننده از ماشین خارج شد و گواهی نامه‌اش را با حالت نگرانی و اضطراب به مامور نشان داد؛ مامور متوجه شد که یکی از مسافران بسیار مضطرب است و به او دستور داد که از ماشین خارج شود و در این هنگام یک بسته کوکائین روی زمین افتاد. مظنون دستگیر و محکوم به حمل کوکائین شد؛ در زمان محاکمه مظنون ادعا کرد که دستور به خروج تشکیل دهنده توقیف غیرمتعارف است. دادگاه بدوی و تجدیدنظر ایالتی موافقت نمودند اما دیوان عالی کشور در این تصمیم تجدیدنظر کرد و رای داد: « خطر تهدید کننده نسبت به مامور زمانی که افزون بر راننده مسافرانی هم در وسیله نقلیه حضور دارند بیش‌تر است.» و همچنین بیان نمود که منافع قانونی و ارزشمند در راستای حمایت از ماموران بر مداخله و ورود به آزادی رانندگان خودرو و مسافران غالب و مرجح است. البته مامور می‌تواند به سوال پرسیدن و تحقیق بدون ارائه هشدارهای میراندا بپردازد و راننده و مسافران از این حق قانونی برخوردارند که به پرسش‌ها پاسخ ندهند و عدم پاسخ ممکن است منجر به ایجاد دلیل موجه برای دستگیری و بازرسی گردد.^۲ بنابراین در این نظام حقوقی مامور اجازه دارد که به مسافران دستور خروج از اتومبیل را بدهد.

در حقوق ایران جزئیات رفتاری ضابط حین بازرسی و تفتیش مشخص نشده است. با این وصف مطابق ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام بازرسی و تفتیش از منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضابطان مکلفند که کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس قید کرده و آن را به امضاء و یا اثر انگشت متصرف برسانند. با این‌که قانون‌گذار تکالیف مندرج در ماده فوق را منحصر به منازل و اماکن تعطیل و بسته نموده است، ولی می‌توان از وحدت ملاک این ماده در خصوص بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه استفاده کرد.

۳.۱. دستگیری راننده و مسافران

یکی از موضوعات مهم و تبعی بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه این است که آیا مقام‌های پلیسی می‌توانند به تبع بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه اقدام به جلب و دستگیری راننده و یا مسافران نمایند؟

1. Maryland v. Wilson

2. Berkmer v. Mc Carty, 468 U.S. 420 (1984)

در حقوق ایران حکم به جلب و دستگیری اشخاص باید به موجب قانون و صدور دستور مقام قضایی صورت بگیرد. ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ به صراحت بر این موضوع دلالت می‌کند. افزون بر آن ضابطان دادگستری وفق ماده ۴۶ قانون یاد شده در جرایم مشهود می‌توانند اشخاص را تحت نظر قرار دهند و در خصوص جرایم غیر مشهود چنین حقی را ندارند. بنابراین در خصوص راننده و مسافران وسایل نقلیه تنها می‌توان از این ضابطه استفاده کرد.

در حقوق آمریکا، رویه قضایی و از جمله دادگاه‌ها رای داده‌اند که اصلاحیه چهارم دستگیری بدون مجوز قضایی را برای جرم کیفری خفیف که تنها مجازات آن جریمه نقدی است مانند عدم بستن کمربند ایمنی که جرم جنحه‌ای^۲ است، ممنوع نکرده است. در واقع در پرونده‌ای در تگزاس به این پرسش پاسخ داده شده است که چگونه مظنونی بدون مجوز قضایی برای جرمی که حداکثر مجازات آن حبس یا زندان نیست، قابل دستگیری است؟

در این پرونده^۳ به این پرسش پاسخ داده شده، بدین گونه که قانون تگزاس تمام مسافران و سرنشینان جلوی ماشین را الزام به بستن کمربند ایمنی نموده است و برای عدم بستن کمربند جریمه نقدی در نظر گرفته است. و همچنین قانون تگزاس به صراحت به ماموران اجازه داده است که بدون مجوز قضایی به دستگیری شخصی بپردازند که قانونی را نقض می‌کند، اگر چه ماموران می‌توانند به جای دستگیری اشخاص به صدور دستور حضور در دادگاه به منظور پرداخت جریمه نقدی اقدام نمایند. در این پرونده ماموران، مظنون را در حالی دیدند که دو کودک او در صندلی جلوی ماشین کمربند ایمنی بسته بودند. مظنون دستگیر شد سپس نجدبدنظرخواهی کرد و ادعا نمود که اقدام مامور طبق حقوق کامن لا غیرقانونی بوده زیرا ناقضان جرایم خفیف غیرقابل حبس، نباید دستگیر شوند. دادگاه مخالفت کرد و بیان نمود که چنین قوانینی هم‌اکنون در تمام پنجاه ایالت حاکم است و «شواهد تاریخی بیانگر آن است که تنظیم‌کنندگان اصلاحیه چهارم به هیچ وجه در رابطه با دستگیری‌های بدون مجوز قضایی توسط افسران محلی و دیگر ماموران صلح نگران نبوده‌اند.» دادگاه به این نتیجه رسید که «ما به سادگی نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که اصلاحیه چهارم... ماموران صلح را از دستگیری بدون مجوز برای جرایم جنحه‌ای که ناقض آسایش و امنیت محسوب نمی‌شوند، نهی می‌کند.» افزون بر آن دستگیری برای جرایم بدون حبس، قانونی است (Del Carmen 2008: 250). بنابراین حتی در صورت یک تخلف جنحه‌ای ناشی از نقض

۱. «باز پرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.»

۲. misdemeanor جرایمی هستند که از نظر شدت از جرم فلانی کم تر می باشند و مجازات در نظر گرفته همیشه یا جزای نقدی یا محکومیت به حبس کم تر از یک سال است. (Oran, OP.Cit, p.314)

3. Atwater v. City of Lago vista, 532 U.S. 318(2001)

مقررات رانندگی نیز می‌توان شخص متخلف را دستگیر نمود و این امر منافاتی با عدم در نظر گرفتن مجازات حبس برای آن تخلف ندارد.

آیا پلیس می‌تواند افزون بر دستگیری راننده به دستگیری مسافران نیز اقدام کند؟ در حقوق آمریکا پاسخ پرسش مذکور با در نظر گرفتن ضوابط و قیودی مثبت است. نخست آنکه، دلیل موجه وجود داشته باشد که جرمی در وسیله نقلیه روی داده و مشخص نیست که چه کسی آن جرم را مرتکب شده و دوم آنکه استنباط معقول و متعارفی با توجه به اوضاع و احوال وجود داشته باشد که شخص دستگیر شده آن جرم را مرتکب شده است. در پرونده‌ای^۱ در سال ۲۰۰۳ زمانی که راننده داشبوردها را جهت نشان دادن مدارک باز کرد، مامور مقداری پول رول شده مشاهده کرد. پس از اخطار به راننده، مامور اجازه خواست که به بازرسی و تفتیش وسیله نقلیه بپردازد که منجر به کشف پنج بسته کوکائین شد. هیچ یک از سه مسافر مالکیت بسته‌ها را نپذیرفته و مامور همه آنها را دستگیر کرد (Del Carmen 2008:251). در پاسخ به این پرسش که آیا دستگیری مسافران معتبر بوده است یا خیر، دادگاه پاسخ مثبت داد با این استدلال که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط پرونده مامور دلیل موجهی داشته که مسافران جرمی را مرتکب شده‌اند. افزون بر آن دادگاه این معیار را ذکر کرد:

« به منظور تعیین دلیل موجه برای دستگیری، دادگاه باید وقایعی را که منجر به دستگیری شده بررسی و ارزیابی نماید. نکته مهم آن است که پرونده مذکور به صورت خودکار به ماموران اجازه دستگیری مسافران وسیله نقلیه را نمی‌دهد بلکه دستگیری مسافران باید بر مبنای دلیل موجهی باشد که نه تنها راننده بلکه مسافران نیز جرمی را مرتکب شده‌اند.»

در رابطه با دستگیری مسافران افزون بر دستگیری راننده در حقوق ایران مقررات صریحی وجود ندارد لکن به نظر می‌رسد مقررات حاکم بر جرایم مشهود مبنی بر عدم اخذ مجوز قضایی و در جرایم غیر مشهود اخذ مجوز قضایی در این زمینه قابل استناد است.

۲. قلمرو تفتیش و بازرسی

۱.۲. وسیله نقلیه

از آنجاکه تفتیش امری استثنایی و بر خلاف حریم خصوصی است، قلمرو و موضوع آن باید به صورت شفاف و روشن در مجوزهای مقام قضایی مشخص گردد. در این خصوص در حقوق ایران چون سایر موارد پیشین قانون‌گذار در خصوص وسایل نقلیه حکم روشن و مشخصی ندارد. اما می‌توان از قواعد عمومی بازرسی و تفتیش مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری احکام این مورد خاص را برداشت

1. Maryland v. pringle, 540 U.S. 366(2003)

کرد. از این رو افزون بر موردی بودن بازرسی و تفتیش بر اساس ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، موضوع تفتیش باید به صورت کامل و روشن مشخص باشد. بنابراین اگر موضوع تفتیش وسیله نقلیه باشد، موضوع تفتیش از قبیل دستگیری شخص خاص و یا یافتن محموله مواد مخدر باید به صورت صریح و مشخص در دستور ذکر گردد. بدیهی است قاضی‌ای که از چنین تکلیفی سر باز زند، مرتکب تخلف انتظامی می‌شود

در حقوق آمریکا، به عنوان قاعده کلی، چنانچه مجوز قضایی کسب شده باشد، قلمرو تفتیش به همان موارد تصریح شده در قرار تفتیش محدود می‌شود. بنابراین چنانچه مامور دلیل موجهی داشته باشد که اسلحه مورد استفاده در ماشین کشف خواهد شد، تفتیش مکان دیگری نادرست است. همچنین ماموران ممکن است به بازرسی اشیا بسته موجود در خودرو بپردازند مشروط بر آن که دلیل موجه وجود داشته باشد که شی مورد تفتیش در آن بسته و محتوی وجود خواهد داشت.

در حالت دوم، فقط ماموران باید به بررسی جعبه یا بسته‌ای که اشیاء ممنوعه در آن قرار دارد بپردازند و اجازه ندارند به بررسی سراسر وسیله نقلیه بپردازند. مهم آن است که قلمرو تفتیش بدون قرار، توسط محتوی یا بسته‌ای که اشیا یا مواد ممنوعه در آن قرار دارد تعیین نمی‌شود، بلکه کاملاً بستگی دارد به «موضوع تفتیش»^۱ و «مکان‌هایی»^۲ که ممکن است مواد ممنوعه و قاچاق با استناد به دلیل موجه یافت شوند (Ferdicao and others, 2009: 592-593).

به محض کشف شی مورد نظر، بازرسی و تفتیش باید متوقف شود و نیز تفتیش بدون مجوز قضایی خودرو پس از صدور برگه جریمه نقض اصلاحیه چهارم است؛ اگرچه مامور می‌تواند راننده را دستگیر کند و سپس به بازرسی و تفتیش خودرو متعاقب دستگیری بپردازد (Hall 2009: 368). در نظام حقوقی آمریکا یکی از استثنائات ناظر بر عدم کسب مجوز قضایی، «رضایت به تفتیش»^۳ است، چنین تفتیشی در مقایسه با تفتیش مسبوق به مجوز قضایی گسترده‌تر است البته مشروط بر آن که شخص رضایت دهنده محدودیت‌هایی را به صورت صریح یا ضمنی وضع نکرده باشد. در پرونده‌ای^۴ دادگاه رای داده است که رضایت معتبر توجیه‌کننده تفتیش بدون مجوز قضایی محتوی یا بسته درون وسیله نقلیه است مشروط بر آن که پلیس به صورت عینی و متعارف بر این باور باشد که مظنون به باز کردن بسته رضایت داده است. در این پرونده ماموران به مظنون گفتند دلایلی دارند مبنی بر آن که با

۱. به عنوان مثال چنانچه موضوع تفتیش اتباع کشورهای دیگر باشد مامور نمی‌تواند به بررسی مکان‌هایی مانند داشبورد اتومبیل که امکان مخفی شدن اتباع وجود ندارد، بپردازد.

۲. در صورتی که دلیل موجه مبنی بر وجود دستگاه چمن زنی در پارکینگ وجود داشته باشد؛ مامور نمی‌تواند به بازرسی اتاق خواب طبقه فوقانی بپردازد.

3. Consent to search

4. Florida v. Jimeno, 500 U.S. 248(1991)

وسيله نقلیه‌اش به حمل مواد مخدر پرداخته و از او اجازه خواستند به تفتیش خودرو بپردازند. برای او توضیح دادند که می‌تواند اجازه تفتیش ندهد، اما مظنون اظهار نمود که چیزی برای مخفی کردن ندارد و به تفتیش رضایت داد. در نتیجه یک کیلوگرم کوکائین در جعبه‌ای در اتومبیل کشف شد. مظنون از محکومیتش تجدید نظر خواهی کرد و ادعا کرد که رضایت او به تفتیش خودرو به بسته‌های موجود در وسیله نقلیه قابل توسعه و گسترش نیست. دادگاه مخالفت نمود و اظهار کرد که تفتیش معتبر است چنانچه مامور به صورت عینی و معقول بر این باور باشد که رضایت مظنون اجازه باز کردن محتوای بسته را می‌دهد^۱ (Lochhead 1992:1269-1270). بنابراین با توجه به رای مذکور اینگونه برداشت می‌شود که در خصوص قلمرو رضایت در مورد تفتیش اتومبیل، درک و برداشت شخصی مامور در حیطه رضایت اعطا شده ملاک است.

بنابراین چنانچه دیده می‌شود رعایت قلمروی بازرسی و تفتیش توسط مقام‌های پلیسی در هر دو نظام حقوقی ضروری است. این موضوع می‌تواند یکی از موضوعات مهم و اساسی در راستای تضمین حریم خصوصی قلمداد شود.

۲.۲. مسافران و سرنشینان

پرسش مهمی که قابل طرح است این است که آیا تفتیش و بازرسی مسافران خودرو امکان‌پذیر است؟

در حقوق ایران در این خصوص تصریحی وجود ندارد و ضابطان دادگستری باید بر اساس ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری از اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط با موضوع خودداری کنند. با این‌که در ماده ۵۶ از اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط سخن رفته است، ولی می‌توان از وحدت ملاک این ماده مبنی بر تفتیش اشخاص غیر مرتبط سخن گفت.

۱. در پرونده Ohio v. Robinette, 519 U.S. 33 (1996) دادگاه رای داده است که مامور پلیس به منظور معتبر تلقی کردن رضایت به تفتیش الزامی ندارد که در ابتدا متهم را آگاه کند که آزاد است برود. در دادگاه، متهم استدلال کرد که رضایت داده شده نامعتبر است زیرا مظنون در ابتدا پیش از رضایت به تفتیش می‌بایست آگاهی می‌یافته که قانوناً «آزاد است که برود». دادگاه مخالفت کرد و اظهار کرد که «اصلاحیه چهارم به منظور ارادی تلقی کردن رضایت به تفتیش الزام نمی‌کند که به متهمی که به صورت قانونی توقیف شده است اطلاع داده شود که آزاد است برود؛ مگر آن که مقررات ایالتی چنین الزامی را پیش‌بینی نمایند.

Mendelsohn, Aaron H. 1998. Fourth amendment and traffic stops: Bright-line rules in conjunction with the totality of the circumstances test. Journal of Criminal law and criminology, volume 88, Issue 3, pp.931-956.

در حقوق آمریکا، میان تفتیش بسته‌ها و صندوق‌های بسته و نیز بازرسی فضای اطراف مسافران می‌بایست تمایز قائل شد. در مورد نخست در پرونده *United States v. Ross* (1982) این‌گونه آمده است که چنان‌چه پلیس وسیله نقلیه‌ای را متوقف کند و دلیل موجه داشته باشد که وسیله نقلیه دربرگیرنده مواد ممنوعه‌ای است، می‌تواند به تفتیش بدون مجوز وسیله نقلیه بپردازد، چنین تفتیشی مانند تفتیش همراه با مجوز قضایی خواهد بود؛ بنابراین هر قسمت از وسیله نقلیه که دربرگیرنده شی یا کالای ممنوعه است، قابل تفتیش و بررسی است (Ray 1982:1433). بنابراین وجود و احراز دلیل موجه، معیار اصلی در این تفتیش بدون مجوز قضایی است.

در مورد بازرسی و تفتیش فضا و اطراف مسافران می‌بایست متذکر شد هنگامی که راننده‌ای دستگیر می‌شود، پلیس می‌تواند به تفتیش بدون مجوز قضایی اطراف مسافران بپردازد؛ بدین معنا که ماموران می‌توانند محتوی و درون هر بسته متعلق به فضای اطراف مسافران را بررسی و تفتیش کنند مشروط بر آن‌که به صورت متعارف بر این باور باشند که شی یا وسیله‌ای خطرناک برای ماموران وجود دارد یا در ارتباط با دلیل و مدرکی است که مظنون دستگیر شده است. در پرونده «نیویورک علیه بلتون»^۱، هنگامی که مامور خواهان مشاهده گواهی رانندگی گشت، بوی ماری جوانا سوخته احساس کرد. و در قسمت صندلی عقب ماشین پاکتی مشاهده نمود. مامور، چهار سرنشین را دستگیر کرد، پاکت را برداشت و درون آن ماری جوانا پیدا کرد؛ سپس به بازرسی پیرامون مسافران پرداخت و در صندلی عقب ماشین ژاکتی متعلق به مظنون (بلتون) پیدا کرد. در یکی از جیب‌های ژاکت کوکائین کشف شد. در طول محاکمه، متهم خواهان رد و بطلان دلیل حاصله (کوکائین) شد، با این ادعا که محدوده موردنظر در «محدوده تحت کنترل مستقیم»^۲ مامور نبوده است، بنابراین ضبط اشیا غیرقانونی بوده است.

دیوان عالی ادعای مذکور را نپذیرفت و اظهار نمود که پلیس می‌تواند به تفتیش بدون مجوز قضایی محیط اطراف مسافران ماشین متعاقب دستگیری قانونی بپردازد زیرا آن محدوده در قلمرو کنترل مظنون است.

۱. جهت انتقادات وارده بر پرونده مذکور مراجعه نمایید به :

Bobber, Bernard J. 1986. Warrantless search of packages seized from an automobile—Fourth amendment, *Journal of criminal law and criminology*, volume 76, Issue 4, pp. 933-954.

منتقدین پرونده مذکور بر این امر تاکید می‌کردند که بسته‌ها به صورت معمول و طبیعی نباید بدون مجوز تفتیش شوند مگر در صورت ضرورت و اوضاع و احوال ضروری.

2. *New York v. Belton*, 453 U.S. 456 (1981)

۳. منظور از محدوده تحت کنترل مستقیم شخص، آن است که صلاحیت مامور در تفتیش، محدود به ناحیه‌ای می‌شود که ممکن است شخص دستگیر شده اسلحه‌ای را به دست آورد یا ادله را از بین ببرد. منطقه‌ی تحت شمول تفتیش به وسعت گشودن دست شخص دستگیر شده می‌باشد که در اصطلاح به آن *person's wingspar* گویند.

پرونده مذکور، پرونده‌ای راهنما است زیرا در آن قلمرو و محدوده تفتیش خودرو متعاقب دستگیری قانونی مشخص شده است. در این پرونده، دامنه تفتیش مجاز خودرو توسعه یافته است، به طوری که صندلی عقب و نیز بازکردن بسته یا جعبه‌ای که ممکن است شی یا وسیله‌ای در آن باشد نیز اجازه داده شده است. بنابراین در چنین تفتیشی معیار و ضابطه مورد نظر در گسترش قلمرو تفتیش به محدوده‌ای که مظنون به آن دسترسی پیدا خواهد کرد و ممکن است دسترسی او به آن محیط برای ماموران خطرآفرین باشد، گسترش یافته است. در پرونده مذکور، راننده زمانی دستگیر شد که در ماشین بود و تفتیش پس از این که مسافران تحت دستگیری واقع شدند، روی داد. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که آیا پرونده مذکور در زمانی که برخورد اولیه با پلیس و دستگیری در خارج از خودرو روی دهد نیز قابل اعمال است؟

در پرونده «تونتن علیه ایالات متحده امریکا» دادگاه در پاسخ به پرسش مذکور، پاسخ مثبت داده است و اظهار نموده است که رای «بلتون» اعمال می‌شود؛ بنابراین در این پرونده قلمرو تحت کنترل مستقیم گسترده و توسعه یافته است. دادگاه اظهار نموده است که اصل مذکور در پرونده بلتون در رابطه با مجوز تفتیش مسافران حتی اگر دستگیری در خارج از خودرو روی دهد نیز اعمال می‌شود (Del Carmen 2008: 256). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قلمرو تفتیش مطابق استثنای وارد بر وسیله نقلیه با توجه به موضوع تفتیش و مکان‌هایی که دلیل موجه وجود دارد که آن شی در آن محل کشف خواهد شد، تعریف می‌شود. تفتیش‌های بدون مجوز قضایی بسته‌های منقول که در ارتباط با وسیله نقلیه نیستند طبق مبانی «دکترین کارل» قابل تفتیش نیستند حتی اگر دلیل موجه وجود داشته باشد که آن بسته یا محتوی اشیای قابل ضبطی را در بر گرفته است. محتوی آن بسته تنها طبق مجوز صادره قابل بررسی است مگر آن که در ذیل یکی از استثنائات مجوز قضایی واقع شود. به عنوان مثال متعاقب دستگیری مورد تفتیش واقع شود (Ibid:257).

۳. ضمانت اجرای نقض مقررات

می‌توان چهار نوع ضمانت اجرای کیفری، انتظامی، بطلان و حقوقی برای قواعد آیین دادرسی کیفری در نظر گرفت. قواعد آیین دادرسی زمانی عملیاتی می‌گردند که بر حسب مورد دارای یک و یا چند ضمانت از ضمانت اجراهای فوق باشد.

«دعای بطلان» ادله تحصیلی به علت عدم رعایت قواعد و مقررات، دعوی است که در آن‌ها قانونگذار و نیز رویه قضایی، به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذینفع و منافع اجتماع است. در حقیقت، باید از یک طرف، رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع

اصحاب دعوا تضمین نمود و در نتیجه به آن‌ها اجازه در خواست بطلان اعمال و اقداماتی را که در جریان آن‌ها، قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند داد و از طرف دیگر، با طرح «تثوری بطلان»، از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری و مجریان عدالت را به رعایت بهتر قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن، عملکرد آن‌ها را در معرض بطلان قرار دهد، واداشت (تدین، ۱۳۸۷: ۷۷).

در حقوق امریکا راننده و مسافران می‌توانند ادعا کنند که شرایط و الزامات مقرر نسبت به استثنای وارد بر وسیله نقلیه (به عنوان مثال فقدان دلیل موجه یا سایر دلایل) نقض شده است. مشروط بر آن‌که راننده یا مسافر انتظار متعارفی از حریم خصوصی در وسیله نقلیه داشته باشند. بنابراین ملاک وضابطه ادعای نقض مقررات، داشتن انتظار و توقع متعارف از حریم خصوصی است. شایان ذکر است که گفته شود در خصوص ادعای عدم رعایت مقررات حاکم، مسئله «صلاحیت طرح دعوا» مطرح می‌شود.^۱ تمام رانندگان و مسافران از چنین انتظاری برخوردار نیستند بنابراین در ادعای خویش با مسئله عدم صلاحیت طرح دعوا مواجه خواهند شد. به عنوان مثال چنانچه راننده‌ای بدون اجازه و بدون گواهی رانندگی کند انتظار متعارفی از حریم خصوصی مطابق اصلحیه چهارم نخواهد داشت، بنابراین شرط صلاحیت طرح دعوا وجود نخواهد داشت. رانندگان خواه مالک قانونی باشند یا خودرویی را اجاره کرده باشند طبق اصلحیه چهارم نسبت به ادعای نقض مقررات تفتیش ذیحق هستند. همچنین راننده وسیله نقلیه اجاره شده که از طرف شرکت اجازه یافته خودرویی را در اختیار بگیرد، انتظار متعارفی از حریم خصوصی دارد حتی چنانچه قرارداد اجاره منقضی شود. علیرغم رانندگانی که به صورت قانونی مالکند یا وسیله نقلیه‌ای را اجاره کرده‌اند، مسافران خودرو معمولاً از انتظار حریم خصوصی در وسیله نقلیه برخوردار نیستند. بنابراین مسافران نمی‌توانند به تفتیش‌های بدون مجوز پلیس نسبت به محدوده‌هایی همچون داشبورد، محیط زیرصندلی و صندوق عقب ادعایی داشته باشند. چنین تفتیش‌هایی نقض اصلحیه چهارم نیستند حتی اگر منجر به کشف دلیلی علیه مسافر شوند (Ferdico and others 2009:613-614).

۱. Standing مفهومی است حقوقی به منظور تعیین شخص صالح جهت اقامه دعوی حقوقی. قاعده کلی آن است که ادعای عدم استناد به دلیل حاصله تنها از سوی شخصی قابل استناد است که حقوق مذکور در اصلحیه چهارم نسبت به او رعایت نشده باشد، بدین معنا که انتظارات متعارف او نسبت به حریم خصوصی توسط پلیس نقض شده باشد. در واقع دو جنبه از صلاحیت طرح دعوا قابل بررسی است؛ نخست آنکه شخص اعتراض کننده به دلیل، می‌بایست از منفعتی با توجه به ادعای خود بهره‌مند شود و آن شخص فقط متهم است که در فرآیند کیفری می‌تواند به دلیل حاصل از نقض اصلحیه چهارم اعتراض نماید. جنبه دوم آن است که متهم باید از انتظار متعارفی نسبت به حریم خصوصی مکان یا اشیا قابل تفتیش برخوردار باشد؛ به عبارت دیگر، حقوق اساسی متهم پیش از آنکه تقاضای بطلان دلیل نماید، می‌بایست نقض شده باشد (Hall, 2009, p.314).

نکته شایان ذکر آن است که اگرچه مسافران وسیله نقلیه معمولاً با فقدان نفع برای به چالش کشاندن عدم کسب مجوز قضایی در تفتیش رو به رو می‌شوند ولی ممکن است با متوقف شدن خودرو آنها نیز توقیف شوند. و آنها می‌توانند متوقف نمودن خودرو را به چالش بکشاند و ادعا کنند که به دلیل آن که توقیف اولیه غیرقانونی بوده (فقدان ظن متعارف در به کنار کشاندن وسیله نقلیه)، در نتیجه تفتیش متعاقب آن نیز غیرقانونی خواهد بود و دلیل حاصله (میوه درخت مسموم)^۱ غیرمعتبر قلمداد خواهد شد.^۲ بنابراین می‌توان به قاعده بطلان دلیل استناد نمود. درست است که اصلاحیه چهارم تفتیش‌های نامتعارف و غیرموجه را ممنوع کرده است و کسب مجوز قضایی و احراز دلیل موجه را الزامی نموده است؛ اما درباره عدم رعایت الزامات سکوت نموده است. در قرن بیستم، از سوی دادگاه‌ها رد کردن و بطلان دلایل و مدارک حاصل از عدم رعایت الزامات و تشریفات اصلاحیه به رسمیت شناخته شد (Thaman 2012:8). بنابراین در این نظام حقوقی علاوه بر ضمانت اجرای مدنی، اداری و کیفری برای ماموران پلیس، با توجه به قاعده «بطلان دلیل»^۳، دلیل به دست آمده غیر معتبر خواهد بود؛ قاعده مذکور به دنبال حمایت از حقوق اشخاص با بی اعتبار شمردن دلایل ناشی از دستگیری‌ها، توقیف و تفتیش‌های غیر قانونی است (Kaminski 2010:269). از توجه به مواد آیین دادرسی کیفری برداشت می‌شود که در نظام حقوقی ایران، بطلان دلیل به عنوان قاعده به رسمیت نشناخته است بلکه به صورت موردی به آن اشاره شده است^۴ و برای تضمین اجرای صحیح قواعد و اصول دادرسی، تعریف و تبیین سیستم بطلان دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران نیز ضروری به نظر می‌رسد و بهتر است در ایران بر اساس آرایه‌ای که در این زمینه صادر می‌شود، از طریق رویه قضایی قاعده‌سازی شود.

۱. تئوری موصوف به این موضوع اشاره می‌کند که هرگاه دلیل نخستین (درخت) به صورت غیرقانونی کسب شده باشد، دلیل متعاقب (میوه) منبعت از دلیل اول نیز غیرقابل قبول می‌باشد. نظریه مذکور بر پایه این اصل استوار است که دلیل کسب شده غیرقانونی نمی‌بایست برای کسب ادله دیگر استفاده شود زیرا دلیل اصلی و اولیه که به صورت غیرقانونی کسب شده، تمام ادله متعاقب را «لکه دار» می‌کند. دلیل دوم لکه دار را برخی دادگاه‌ها «دلیل اشتقاقی» یا «دلیل ثانویه» نامیده‌اند. (Ferdico and others 2009: 133-134). جهت اطلاعات بیشتر در مورد تئوری بطلان دلیل و میوه درخت مسموم مراجعه نمایید به:

Oakst, Dallin H(1970), Studying the Exclusionary Rule in Search and Seizure, The University of Chicago Law Review, Vol 37, No 4, pp 665-757.

2. rnia, 127 S. Ct.2400(2007)

3. Exclusionary rule

۴. از جمله مواد مورد اشاره می‌توان به مواد ۳۰، ۶۰، ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود. جهت اطلاعات بیشتر رجوع نمایید به: حسنعلی موذن‌زادگان، سحر سهیل مقدم، قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (باتاکید بر حقوق آمریکا)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۶۷-۲۴۴.



نتیجه‌گیری

علی‌الاصول قوانین آیین دادرسی کیفری به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با حقوق و آزادی‌های فردی دارند، باید به تفصیل و با ذکر تمامی جزئیات، نحوه و چگونگی ورود به حریم خصوصی را منعکس نمایند. در همین راستا دو نظام حقوقی تلاش نموده‌اند به منظور پاس‌داشت حریم خصوصی اشخاص و با لحاظ این موضوع که ورود و نقض حریم خصوصی امری خلاف قاعده است، قواعد و تشریفات را مقرر نمایند. این قواعد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. قواعد سازمانی ناظر به تفتیش و بازرسی و قواعدی که ناظر به کیفیت بازرسی و تفتیش اختصاص یافته است. از حیث قواعد سازمانی هر دو نظام بر کسب مجوز قضایی پیشین تأکید ورزیده‌اند و اصل را در تفتیش و بازرسی‌ها به احراز شرایط و ضوابط توسط مقام قضایی تخصیص داده‌اند. با این وصف در هر دو نظام حقوقی بر اساس قاعده ضرورت و فوریت امور و تحت شرایط و ضوابط خاصی به مقامات پلیسی اجازه داده‌اند که تفتیش و بازرسی بدون کسب مجوز قضایی لازم صورت بگیرد. وجه مشترک هر دو نظام در این خصوص، جرایم مشهود است که مأمور می‌تواند بدون اخذ مجوز قضایی اقدام به تفتیش و بازرسی نماید.

با این‌که در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بر پاس‌داشت حریم خصوصی در وسایل نقلیه تأکید می‌شود، ولی با این وصف اختلاف مبانی و جهت‌گیری در مقررات دو نظام قابل مشاهده است.

نخست، یکی از جلوه‌های حمایت از حریم خصوصی مسبوق بودن بازرسی‌ها و تفتیش از وسایل نقلیه به مجوز قضایی است. در نظام حقوقی آمریکا بنا به دو علت در معرض تضییع بودن ادله و نیز در معرض عموم بودن وسایل نقلیه، در صورتی که ظن معقول به وجود جرم و یا دلایل مرتبط وجود داشته باشد، نیازی به اخذ مجوز قضایی نیست و از این حیث حمایت کم‌تری از حریم خصوصی افراد به نسبت منازل مسکونی معمول می‌شود. در حقیقت در اینجا تأمین نظم و امنیت عمومی بر حقوق فردی ترجیح و برتری داده شده است. با هدف برقراری نظم عمومی در جاده‌ها کنترل رانندگان مست برای پلیس در نظام حقوقی آمریکا بدون اخذ مجوز قضایی امکان پذیر است. به نظر می‌رسد که دغدغه نظام حقوقی ایران مبنی بر اخذ مجوز قضایی مبنی بر بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه، ستودنی است؛ اما نمی‌توان از کنار نظم و امنیت عمومی به این راحتی گذشت، بنابراین با توجه به اصل قانونی بودن فرآیند دادرسی کیفری می‌توان استثناهای لازم از قبیل کنترل رانندگان مست و یا جرایم خطرناک و شدید تحت ضوابط و قواعد روشن پیش بینی کرد تا ضمن تأمین دغدغه‌ی امنیت عمومی، زمینه‌های سوء استفاده از اختیارات و اقتدار پلیسی به

کمترین میزان ممکن رساند. بنابراین تعیین ضوابط و سازو کارهای مشخص در قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند بر شفافیت و استحکام این قوانین بیفزاید.

دوم، یکی از موضوعات مهم در تفتیش و بازرسی از وسایل نقلیه شرح جزئیات و کیفیت بازرسی از قسمت‌های مختلف وسایل نقلیه و مسافران است. یکی از محاسن قوانین آیین دادرسی کیفری پیشرفته پرداختن به جزئیات امور است. ضروری است همان‌گونه که در نظام حقوقی آمریکا به برخی از این جزئیات پرداخته شده است، در قانون آیین دادرسی کیفری، نظام دقیق و شفافی در این زمینه اتخاذ گردد. کاستی‌ها و نقایص مذکور باعث نقض حقوق و آزادی‌های فردی و عدم مشخص بودن تکالیف افراد می‌گردد. به‌عنوان مثال مطابق نظام حقوقی آمریکا، زمانی که خودرو به‌صورت قانونی به علت نقض مقررات عبور و مرور متوقف می‌شود، مامور می‌تواند به راننده حتی بدون وجود ظن به ارتکاب رفتار مجرمانه‌ای دستور دهد که از وسیله نقلیه خارج شود و نیز چنانچه مامور به صورت متعارف و معقول بر این باور باشد که راننده ممکن است مسلح و خطرناک باشد، می‌تواند به تفتیش محدود به پوشش ظاهری و بیرونی شخص به منظور کشف اسلحه بپردازد. افزون بر آن در نظام مذکور مطابق رویه قضایی مقرراتی در خصوص تفتیش و بازرسی راننده و مسافران متعاقب تفتیش خودرو وجود دارد.

سوم، یکی از موضوعات مهم جهت حسن رعایت تشریفات و قواعد آیین دادرسی کیفری وجود ضمانت اجراهای مناسب و مقتضی است. این ضمانت اجراها دو کارویژه اساسی دارند. نخست، در صورت عدم رعایت تشریفات مذکور، دلایل و تحقیقات به دست آمده در معرض ابطال و بی اعتباری قرار می‌گیرند. بنابراین وجود این طیف از ضمانت اجراها باعث تقویت اجرای قواعد و مقررات آیین دادرسی کیفری می‌گردد و از سوی دیگر وجود این ضمانت اجراها گامی اساسی در جهت تضمین حقوق متهم قلمداد می‌گردد؛ زیرا چنانچه قواعد مذکور رعایت نشود، متهم می‌تواند در مراجع تجدید نظر نسبت به این موضوع اعتراض نماید. دوم، چنانچه مأموران و متصدیان امر در هنگام انجام تحقیقات قواعد و تشریفات آیین دادرسی کیفری را رعایت نمایند، در معرض ضمانت اجراهای مدنی، انتظامی و کیفری قرار می‌گیرند. همانگونه که اشاره شد در حقوق آمریکا «قاعده بطلان دلیل» پیش‌بینی شده است، برای تضمین اجرای صحیح قواعد و اصول دادرسی، تعریف و تبیین سیستم بطلان دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران نیز ضروری به نظر می‌رسد و بهتر است در ایران بر اساس آرایه‌ای که در این زمینه صادر می‌شود، از طریق رویه قضایی قاعده‌سازی شود.

در هر صورت قوانین مختلف آیین دادرسی کیفری تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی خود و نیز کمیت و کیفیت بزهکاری در جوامع خود مدل‌های مطلوب خود را در زمینه بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه اتخاذ می‌کنند. بدیهی است این مدل باید پاسخگویی به دو خواسته را مورد توجه

قرار دهد: نخست از یک سو تضمین کننده‌ی حقوق و آزادی‌های فردی باشد و دوم این که با ظرافت و دقت امنیت عمومی را نیز تأمین نماید. به نظر می‌رسد در ایران باید با تحقیقی جامع جرایم شدید احصاء و استثناهایی که می‌تواند زمینه ساز اعطاء اختیاراتی به صورت محدود به ضابطان دادگستری در زمینه‌ی بازرسی و تفتیش باشد، مشخص کرد. برای نمونه جرائم مرتبط با مواد مخدر و یا جرائم سازمان یافته می‌تواند از جمله این قلمروها باشد. به دیگر سخن اصل نخستین در بازرسی و تفتیش از وسایل نقلیه باید عدم مجاز بودن پلیس به چنین اقدامی باشد. این موضوع با تضمین حریم خصوصی اشخاص نیز منطبق است. از سوی دیگر، تأمین امنیت و نظم عمومی می‌تواند که افزون بر جرائم مشهود، در دسته‌ای دیگر از موقعیت‌های خطرناک پلیس بتواند با سرعت بیش‌تری و برای جلوگیری از بین رفتن ادله و مدارک مرتبط با جرم اقدامات لازم به منظور بازرسی و تفتیش را انجام دهد. با این وصف این محدوده استثنایی باید به صورت شفاف و روشن در قوانین آیین دادرسی کیفری منعکس گردد تا از سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری گردد. روشن شدن و مشخص شدن اقدامات ضمن بازرسی و تفتیش نیز می‌تواند ابزار مناسبی در جهت حمایت از حریم خصوصی اشخاص قلمداد گردد.

منابع

- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، **حقوق حریم خصوصی**، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تدین، عباس (۱۳۸۷)، «نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق فرانسه)»، **تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۳، ص ۹۳-۷۶.
- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۸)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۲)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ بیست و پنجم، تهران: شهردانش.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۴)، «حق انسان بر حریم خصوصی»، **دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)**، شماره ۷۰، ص ۱۴۶-۱۱۹.
- فروغی، فضل‌الله و یوسفی، ایمان (۱۳۹۳)، «مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا»، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره ششم، شماره اول، ص ۱۷۸-۱۴۷.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۶)، «حمایت از حریم خصوصی در مکان خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵، ص ۱۵۰-۱۳۵.

کوشکی، غلامحسین و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۴)، «تطبیق بازرسی و تفتیش در الگوی دادرسی ایران و امریکا»، **مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۵، ص ۱۳۳-۹۵.

کوشکی، غلامحسین و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و امریکا»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۹۴، ص ۲۲۷-۱۹۳.

موذن‌زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵)، «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (باتاکید بر حقوق آمریکا)»، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲۴۳-۲۶۷.

یوسفی، ایمان (۱۳۹۲)، **تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: جنگل.

معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی**، چاپ بیست و چهارم، تهران: امیر کبیر.

- Bobber, Bernard J. (1986), Warrantless search of packages seized from an automobile—Fourth amendment, **Journal of criminal law and criminology**, volume 76, Issue 4, pp. 933-954.
- Bryan Scott Blade (1991), Fourth amendment--The Constitutionality of a Sobriety Checkpoint Program, **Journal of criminal Law and Criminology**, Volume 81, Issue 4, pp. 800-818.
- Collings Jr, Rex A, (1962), Toward workable rules of search and seizure—An amicus curiae brief, **California law review**, Volume 50, Issue 3, pp. 421-457.
- Del Carmen, Ronaldo V. (2008), **Criminal Procedure: law and practice**, eight edition, Wadsworth publishing.
- Ferdico, John N, Henry F. Fradella, Christopher D. Totten, (2009), **criminal procedure for the criminal professional**, tenth edition, Wadsworth cengage learnig.
- Gillespie, Daniel T, (1999), Bright rules: development of the law of search and seizure during traffic stops, **Loyola university Chicago law journal**, volume 31, Issue 1, pp. 1-28.
- Hall, Daniel, (2009), **Criminal law and procedure**, fifth edition, Delmar Cengage Learning Publisher.
- Ison, Timothy M, (1983), Fourth amendment—officer safety and the protective automobile search: an expansion of the pat-down frisk. **Journal of criminal law and criminology**, volume 74, Issue 4, pp. 1265-1281.
- Kaminski, Daniel, (2010), concluded to exclude: The exclusionary rule's role in civil forfeiture proceedings, **Seventh circuit Review**.
- Lochhead, George S, (1992), Fourth amendment—Expanding the scope of automobile consent searches. **Journal of criminal law and criminology**, volume 82, Issue 4, pp. 773-796.



- Mendelsohn, Aaron H. (1998), Fourth amendment and traffic stops: Bright- line rules in conjunction with the totality of the circumstances test. *Journal of Criminal law and criminology*, volume 88, Issue 3, pp.931-956.
- Oakst, Dallin H, (1970), *Studying the Exclusionary Rule in Search and Seizure*, **The University of Chicago Law Review**, Vol 37, No 4, pp 665-757.
- Oran, Daniel J.D., (2000), *Oran' dictionary of the law*, third edition, West Legal Studies Thomson Learning, 2000.
- Riggs, Jenny L, (1982), Excluding automobile passengers from fourth amendment protection, **Journal of criminal law and criminology**, volume 88, Issue 3, pp.957-984.
- Scheb, John M, and John M. Scheb II, (2012), **Criminal procedure**, six edition, USA, Wadsworth,
- Thaman, Stephen C, (2012), **Exclusionary rules in comparative law**, springer Netherlands.
- Henry, Campbell Black ,M.A. ,**Black's law dictionary**, fifth edition, USA, ST. PAUL, MINN. West publishing Co, 1968.